الحرز، الهیاکل واالدوائر

حضرة الباب

نسخه اصل فارسی



الحِرز، الهیاکل والدوائر

- "الباب العاشر من الواحد السابع فلتحرزن کل نفس بهیکل اسم المستغاث فی حین تولده و لا ینبغی لاحد ان یترکه. ملخص این باب آنکه در اسماء الله هیچ اسمی تعادل نمیکند عدد آن باسم مستغاث و آن اعلی ثمرهٔ اسماء است که بمنتهی الیه ظهور رسیده و در آن ظاهر نیست الا واحد اول و در واحد اول نیست الا واحد اول که در قرآن رسول الله - صلی الله علیه و آله - هست و در بیان ذات حروف السبع و قبل از قرآن عیسی - علیه السلام - بود و بعد از بیان "من یظهره الله" اعراش در ظهورات مختلف ظاهر میشود و الا مستوی بر اعراش که معری از حد حدود است همان مشیت اولیه است که اعراش او را متغیر نمیکند و هیچ اسمی اعلی عددا از اسم مستغاث نیست در رتبه اسماء و بر عدد اللهم که اعداد طرح کنی واحدا بعد واحد عدد اسم احد ناقص میشود و اگر با الف و لام حساب کنی اسم مستغاث را عدد اسم حی زائد میآید و در یوم قیامت مظهر آن ظاهر شده که مدل بوده علی الله از این جهت امر شده که کل از حین انعقاد نطفه محرز کنند آن هیکل را بهیکلی که عدد اسم مستغاث در آن باشد زیرا که از مبدأ ظهور تا ظهور آخر خدا دانا است که چقدر شود و لیکن زیاده از عدد مستغاث اگر خدا خواهد نخواهد شد و در کور قرآن بدء و عود آن در اسم اغفر شد بنقص عدد اسم هو در بیان خدا عالم است که تا چه حد رسد زیرا که در این معیاری نیست زیرا که فاصله بین انجیل و فرقان بالف هم نرسید زیرا که شجرهٔ حقیقت در هر حال ناظر است بخلق خود هر وقت که بیند استعداد ظهور را در مرایای افئده مسبحین میشناساند خود را بکل باذن الله عز و جل زیرا که ازبرای او حرکتی و سکونی نبوده و نیست الا بالله عز و جل ثمرهٔ آن اینکه کل اسماء چون طائفند در حول اسم الله و کمال کل اسماء ببلوغ این اسم است لعل کل نفوس در بیان ببلاغ ما یمکن برسند که در حین ظهور حقیقت توانند شمس حقیقت را درک نمود و طائف حول او گشت و مراقب باشند که از آن عدد تجاوز نکنند که اگر بآن عدد رسد نفسی در بیان و شنود که ظاهر شده شجرهٔ حقیقت بر او است رجوع بسوی او و اگر چه یقین نماید لعل از نار نجات یابد باین فضل و هیچ فضلی در بیان از این اعظم تر نبوده و نیست اگر قدر دانند و خود را از نار "من یظهره الله" نجات دهند و در ظل نور او ساکن شوند زیرا که ظهور او مبدأ خلق کینونیات است در ذر افئده بعد از تمامیت ذر اجساد قبل از ظهور او و همین قسم که در هیکلی دو هزار و یک اسم نوشته شود کافی است در تحرز لعل باین سبب از ظاهر در اسماء محتجب نماند و غیر الله نه بیند و شاهد نشود الا برضای محبوب خود فلتحرزن أنفسکم لله ربکم ثم بأسمائه الحسنی کلها فإن له الخلق و الأمر فی ملکوت السموات و الأرض و ما بینهما لا إله إلا هو العزیز المحبوب."، البیان الفارسي، ١٠ : ٧

• "فلتحرّزنّ ذرّيّاتكم بهيكل عِزٍّ فيه من "إسم الله" عدد "المستغاث"، لعلّكم يوم القيٰمة بذلك الإسم لتنجون"، البيان العربي، ١٠ : ٧

• "أن أحرزوا ذرياتكم بهيكل يكتب فيه من الآيات أو الأسماء عدد اسم الآخر هيكل التاسع من بعد العشر هو المستغاث لتكتبون"، لوح هيكل الدين، ١٠ : ٧

• "الباب العاشر من الواحد الخامس ان الله قد قدر الهياكل للرجال و الدوائر للنساء يكتبون و يكتبن فيهما ما يشاؤن من البيان. ملخص اين باب آنكه خداوند از براى اهل بيان دو فضل عظيم مقدر فرموده و بر ايشان آنها را منت گذارده و آن هيكل است از براى رجال كه ظاهر او هاء و باطن او واو است و اذن داده كه در او نوشته شود از آنچه از شمس نقطهٔ مشرق گشته هر كس هر چه تواند از بحر جود او اخذ كند كه آنچه در آن هيكل نوشته شود اثر آن در نفس آن نفس ظاهر ميگردد الحرف بالحرف و النقطة بالنقطة و از براى مظاهر باء دائره قص شمس حقيقت را اذن فرموده و آن را پنج واحد قرار داده وهر واحدى را واحد كه مدل باشد بر حروف لله بان لله ما فى السموات و الارض و ما بينهما و الله بكلشيئ محيط تا آنكه بر صدور افئده ايشان قص شمس حقيقت متجلى گردد لعل در يوم ظهور آن نير اعظم دلالت نكنند الا بر او و اذن فرموده ايشان را كه آنچه خواهند در او از كلمات مشرقه از شمس وجود ذكر كنند كه هرچه در آن ذكر كنند اثر آن در آن نفس ظاهر ميگردد الحرف بالحرف و النقطة بالنقطه اگر چه بدء اين دائره بر آن نهجى است كه امير المؤمنين - سلام الله عليه - در آن ذكر اسماء ظاهره از كلمهٔ ها را نموده در نقطهٔ فرد و در ما يؤخذ حى و در الف قيوم و در باء سلطان و در جيم قدوس ذكر نموده و از اين جهت است كه "بسم الله الامنع الاقدس" در اين ظهور ظاهر كرده كه از رتبه نقطه تا بجيم مراتب اربعه خلق و رزق و موت و حيات جامع باشد واگر بآنچه از آن بحر جود منتشر گشته كسى عمل نمايد مقاصد خود را ملاحظه ميكند اگر مشيت الله بر جريان آنها جارى شده باشد و ثمرهٔ اين دو حكم اين است كه كل بيان خلق عالم اكبر است وهمينقدر كه در هيكل يا دائره ظاهر شد و از حد هاء تجاوز ننمود لعل در سنين خمس ظهور "من يظهره الله" بشرف ايمان بآن شمس حقيقت فائز گردد كه آنچه در هياكل و دوائر نوشته شده تجيد او است و تنزيه او از آنچه غير دوستان او ميگويند و اگر كسى نزد او باشد ازعطيه جود او و ثمر آنرا ظاهر نگرداند در خطوط خمس يا ست يا بيوت واحد چگونه در حق او ذكر ثمر شود و حال آنكه ثمره وجود خود را باطل كرده و اين از براى اين است كه كل اهل بيان از حدود خمس بيرون نروند زيرا كه در هيكل خمس محيط بر و او است ودر دائره واو حافظ هاء است اين است مراد از نزول او لعل مردم باين دو عطيه عظمى و موهبت كبرى در حين ظهور آن شمس ازل و طلعت قدم اولو الهياكل در ها و اولو الدوائر در واو بكله منقطع گردند اگرچه كور اگر ترقى نمايد خمس سنين بخمس شهر خواهد رسيد بل بخمس اسبوع بل بخمس يوم بل بخمس ساعت بل بخمس دقيقه بل بخمس عاشره از تاسعه و هر قدر كه توان ذكر نمود در قرب او زيرا كه نبوده بين مشيت و ما ينشئ بينونيت عزلت بل لم يزل قد خلق الله بينهما بينونية الصفة مثل النار واحراقه ميشود كه نار متحقق گردد و احراق ظاهر نشود يا مصباح مستضيئ گردد و نور او منور نكند امكنهٔ كه در آن مستضيئ گشته وهمچنين تصور كن كل امثال محبوبه را از جوهر وجود گرفته تا منتهى اليه حد حدود و نظر مكن در هيچ شأن در كل اين دوائر و هياكل الا هيكلا واحدا مثل آنكه الآن آنچه در قرآن مى بينى در او ديده نميشود الا هيكل رسول الله - صلى الله عليه و آله - كه اگر اون نبود كينونيت اون متذوت نميگشت در ايمان باو و مظاهر او و آنچه از قبل الله بر او نازل شده و همچنين نزد هر ظهورى مشاهده كن بعين يقين اين جوهر واحد را كه ساريست در كل شيئ كه اگر در يوم ظهور "من يظهره الله" در هيكلى غير هيكل او ديده شود آن بنفسه محتجب از او

شده و ليكن او اظهر است نزد او از خود او باو و آنچه او ميكند قصد نميكند الا او را اگرچه در حين احتجاب بر او كند اين است معنى الى الله يرجع الامر كله ان انتم تعلمون." البيان الفارسي، ١٠ : ٥

- "قد وهبتك الهياكل والدّوايز ومننت عليك بذلك قل كلّ البيان فيها لتكتبون على شأن تستطيعون أن تقرؤن"، البيان العربي، ١٠ : ٥

- "الأمر الأول من الشعائر السبعة هو حمل الدائرة المنيعة المباركة"، الخصائل السبعة

- كيفية رسم، كتابة، وعمل الدوائر، راجع "تفسير سورة الحمد"

- "ان تحبن ان يكونن عندكم حرز الله في كل شيء فلتكتبن ثلثمائة ثم واحدة وستين من اسماء الله التي قد نزلناها في الكتاب على ما علمناكم في البيان لعلكم بشيء غير محبوب لا تشهدون قل الاول قد تحرزنا بالله ذي الالهين والالهاء قل الاخر قد تحرزنا بالله ذي الغائثين والغيثاء انتم ما بينهما بما نزلناه في الكتاب لتكتبون ولا تخلون ذرياتكم عن ذلك الحرز الاعلى في كتاب الله لعلكم بها عن كل مكروه تحفظون"، كتاب الاسماء، بسم الله الاحرز الاحرز

- "فاشهد ان لا حرز لك الا الله جل جلاله ولا محرز لك الا إياه عز اعزازه اذ كل ما دونه خلق له محترزون بحرزه وقائمون بامره قد رايت احد ممن انتقش على العقيق في يديه خاتم من عقيق حمر كان عليه منقوشا على احسن خط جهر الله حرزي قد استغفرت له ودعوت له بما قد أحببت هذا وانت فلا تخلو نفسك عن الحرز فان فيه اثر على ما قد قدر الله في اسمه المحرز ولكن ان تحرز نفسك فاحرزه منظما فان تجعل في يديك الأيمن من حرز فلتجعلن في عضدك الايسر وان يكن [في يديك من خاتم فلتجعلن في شمائلك مثل ذلك لا تخرجن عن حد النظامية المحبوبية الجوهرية الطرزية الساذجية الكافورية واحترز بمن يظهره الله ثم بمن يؤمن به من كل ذكر وانثى فان كل تلك الاسماء لينزل هنالك امثالك ولا ريب ان الله حرزك وكفاك ولكن الله قد خلق في ذلك الملك أسبابا يحرزك فلا تحتجب عنها واستحرز الولد حين انعقاد نطفته الى اخر ما يقبض بحرزية الكلية على ما نزلناه من عدد كل شيء لتحفظن به عما لا يحب الله لعبده المؤمن ولا ورقة المؤمنة وقل في كل يوم مائة مرة وكفى بالله حارزا حريزا وان تحرزت احد من ادلاء من يظهره الله فاذا كينونيتك مستمدة عن ذلك الاسم وينبغي مرات كينونيتك ان تستعكسن عن اسم الله الحارز المحرز وعليك بتلك الصفة المحمودة والطلعة المقصودة ولو كان بمن لم يكن في دينك الا في حين ارتفاع امر الله على من على الأرض كلها فاذا انت حينئذ تلاحظن ظهور امر الله على كل شيء وفي ذلك الحين تقدر ان تظهر بتلك الصفة وان كنت من الباطنين]"، كتاب الاسماء، بسم الله الاحرز الاحرز